پژوهش‌نامه ادب حماسي، سال دهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۷۸-۸۵

پازشناشی خدای نامه به روایت این مقفع

رقبیه شیبانی فر

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده حکیم سیزورای. سیزورای ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۸

چکیده

«خدای نامه» یکی از آثار برجسته ادبیات ایرانی به زبان پهلوی در موضوع تاریخ اسنادی-داستانی ایران باستان است که متأسفانه هیچ نوشته‌ای از آن به زبان اصلی باقی نمانده‌است. خدای نامه را می‌توان یک نوع ادبی نبانیشت که روایت‌های گوناگونی (دهقانی، موبدی و پهلواپی) از آن موجود بوده است. عبادالله بن مقفع این کتاب را در قرن دوم عقدی با عنوان سیرالملوك به عربی ترجمه کرده که پاره‌های پراکنده‌ای از آن در برخی متن‌های عربی باقی مانده‌است. پازشناشی و پژوهشگران این روایت‌ها رؤیای دستی نیست که سیرالملوك و به پیرو آن خدای‌نامه را تاحده‌ای مقفع می‌سازد. این مقاله به بررسی این رویکرد با توجه به متن عربی بیوزه تهیه ارزیابی اخبار/افزایش و العرب‌می‌بپردازد که یکی از عمده‌های از سیرالملوك این مقفع را در سپهر زمانی پادشاهی گستنگ تا خسروپرث در خود دارد.

کلید واژها

خدای نامه، عبدالله بن مقفع، سیرالملوك، نهایه ازب، تاریخ اسنادی داستانی.

* Sheibanifar_79@yahoo.com
مقدمه
"خدایانه" نام اثری است به زبان پهلوی (فارسی میانه) که می‌توان آن را یک نوع ادبی ۱ پندادگان همگانی از تاریخ اساطیری و داستانی ایران باستان از نخستین پادشاهان ایران، کیومرث، تا مزگ زرگرد سوم را دربر داشته‌است ۲ و شاهنامه فردوسی با واسطه‌هایی چند روایت فارسی و منظوم از این نوع ادبی است. این نوع ادبی در روزگار ساسانی رواج داشته‌است و تفاضلی با تأثیر ترجمه و نهضت ادبی روزگار اندیشیدن تدوین خدایانه را به این دوران منسوب می‌کند (تفلیسی، ۱۳۷۷: ۲۷۰). پس از دوران اندیشیدن خدایانه در روایت گوناگون کامل شده و پس از اسلام با افزوده‌های داستانی زرگرد سوم به آن به پایان می‌رسد ( الخليجی‌مطلق، ۱۳۸۴: ۳۱). بنابراین شاهنامه با استقلال ۳ این تدوین نهایی از این "به‌دیگر دانش" انجام می‌شود. پذیرفته که از این رو شاهنامه در دو نسخه از دو نسخه یکسان، یعنی بین زده روبادخانه، اسطوره و داستانی و در ایران باستان است (تفلیسی، ۱۳۷۷: ۲۵۳۷) و عبارت دیگر خدایانه از مطالب پهلوی شکل می‌گیرد و شاهنامه از آن اقتباس می‌شود (رودس: ۱۳۷۷: ۱۱۶).

از این نوع ادبی که به خدایانه مشهور است در برخی از آثار پهلوی، عربی و فارسی با واژه "خدایانه/ خدایانه" باید اشاره کرد. پژوهش‌گران همانند نولدکه (۱۳۸۴: ۸۴-۸۵، صفا: ۱۳۸۴: ۵۸) شهیاری (۲۰۰۹: ۲۰۸-۲۰۹) در نواحی مختلف از این موضوع برنامه‌ریزی کرده‌اند که در کنارا کامل آن‌ها دار

زیر ارائه می‌شود:

۱. Xwādāy-nāmā (خداوندیه/ خدایانه) ادبمایست:

- در بهشت زیر فریب دادگی بکار نام خدایانه، نام خدایانه را گفته می‌شد. در کتاب انسان‌شناسی از همان دوده خواندن، از این تخمین متوحه‌اند (بهار، ۱۳۸۴: ۱۵۷، ۱۷۶).
- این نام بر (م. ۲۰۸) به بار از کتاب انسان‌شناسی نام می‌برد (۱۹۹۶: ۲۳۲).
- حمزة اصفهانی (م. ۳۵۰-۳۷۰)، در کتاب تاریخ سنی ملوکدار، در این نام می‌برد (م. ۱۶: ۱۲۳).

۲. -genre
پیشینه‌های خدامنامه‌نویسی

اقدام هندواروپایی بیش از مهجور بودن استریم‌های سه‌گانه هند، ایران و آسيا
داستان‌ها و روایتی در حافظ و سنین خود داشتند که آن را خود به سزایی‌های
جذب منتقل و به مقتضاً زمان و مکان تغییراتی در آن ایجاد کرده‌اند (صفا: 1384
بوسیه: 1:17). از این نمونه‌ها می‌توان داستان سودايوی و سیاسی در ایران، رام و
سیتا در هند و فدر و هیپولیت در آسيا را برشمرد که هر سه هسته‌های داستانی مشترکی
دارند. داستان بوس و زلیخای سامراً را نیز باید به آنها افزود. البته این رابطه بیشتر
در میان استنی‌ها و حامدان قرار بوده و این این است که جمشید و کاووس نمونه‌های
خوبی برای این پیگاهی در پی‌دی‌ها داستانی هستند.
پژوهش‌نامه ادب حماسی، سال دهم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۲

60

با ظهور زرده‌شتم در حدود سال‌های ۱۲۰۰ پیش از میلاد (بوس، ۱۳۸۳: ۱۵) و
اوردن آین به دنیا نشست، تلاش می‌کرده تا اینجا احتمال تعامل و اندیشه‌هايی ای به گونه‌ای که
نقطه‌ای از تاریخ و روند حماسی جشن/وستا از یک سو نامه آموزشی بنی‌یاده و از
سوی دیگر به‌عنوانی، افسانه‌ها، اسطوره‌ها، داستان‌های حماسی، قصه‌های
عقلانی و حتی داستان‌هایی با شخصیت‌های حیاتی، پرندگان و موجودات شگفت‌انگیز از
جمله دیوان و پریان را دری داستان‌ست. با توجه به مطالب موجود در دیگر که خلاصه‌ای
از/وستا را دربر دارد می‌توان گفت که «هاماد نسک»، «چهاردان نسک» و «سپورک نسک»
از/وستاک که به مسائل آفرینش، رستاخیز و کارنامه پهلوانان مثی اختراع و داشته و
فرهنگی از نام‌های پادشاهان پیش‌دادگان و کهیه به همان ترتیب که در مبانی اسلامی آمد،
در «چهاردان نسک» وجود داشته‌است (رهنامه، ۱۳۸۴: ۲۹-۴۰).

داستان‌های براندید ایرانی از جمله پادشاهان پیش‌دادگان و کیهان و نیز
اسیر در برخی داستان‌های پهلوانی مهم شکن آرش کمان‌گیر (تیرشی، بند ۳۵) که
قطعاتی از تاریخ اساطیری و داستان‌های ایران بشرم مقدم آمده در کتاب/وستا/بایه/یشتن
امدادهای. تفاوت عده‌های/وستا از تاریخ اساطیری و داستان‌های ایران با خدایانه‌ها
ان است که در/وستا/موجود گاه بدون هیچ نظم خاصی به شکوه پیش‌دادگان،
پهلوان و داستان‌های آن اشاره در/سپورک/به/پهلوان (آیان، بند ۲۱-۲۸) و گاه تابع نظم
زمینی پیش‌دادگان و کیهانی و رستاخیز (فورنی، بند ۱۲۴-۱۲۵) است. اما این
روایت‌ها در خانه/پهلوان ناب/پهلوان و یزدانی بهدی که در/پهلوان ناب/پهلوان و
راستیک/که به مبنای طولی و زمینی «پیش‌دادگان، کیهانی، اشارات و ساسانی» استوار
است باعث آن است که به/پهلوان داستانی را از جای خود به جای دیگری از/پهلوان
(خدا) بی‌نامه منتقل کند. علاوه بر این به‌طور کامل/وستا، اشارات و گزارش‌های دیگری
افزای که/پهلوان داستان‌های جهان‌گردن و به نوشته‌های/پهلوان (خدا) گام، گزنوی، گنی، خستگی و دیگران و همچنین در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی
از/پهلوان/پهلوان (پهلوان) (Kant، ۱۹۵۳: ۱۱۳-۱۱۶) می‌توان یافت.

از ادبیات دوره هخامنشی، اطلال چندانی در دست نیست. تنها سنگ‌نوشته‌های
پادشاهان هخامنشی در در کوه‌ها که محتوای بسیار ته گونه که همان سری تاریخی بوده,
معرّف ادبیات این دوره است. همچنین با توجه به گفته‌های نویسندگان پیش‌دادگان هم‌چون

۱ Herodote
۲ Xenophon
۳ Ctesias
بازشناسی خدا نامه به روایت این مقفع

استرآو ام‌توان این نکته را در اباقه که احتمالاً در دوره هخامنشیان علاوه بر استاد با‌یک‌گانی دولتی، مجموعه‌ای از روایات حماسی همانند خَوْزَهَ‌ و/or پادشاهان به‌صرفه و/or شاه‌نامه به‌صورت شفاهی و یا گونه‌های مختلف وجود داشته است (تغییرات، 1377-1376). 

این توجه به اطلاعاتی که در کتاب مققدس آمده نیز درسی بایستی که در روزگار خشایارشا (حکومت 428-440 م. م) روابط‌های شاهی را در کتاب‌یا نام تاریخ پادشاهان/تاریخ پادشاهان سلام و بما یارس می‌نوسته و معمولاً در یک بیانیه یا مجموعه این خوددانه (استر، ۳: بند ۲، ۱۲۴-۱۵). 

البته در روزگار اردشیر دور هخامنشی (۵۲۵-۵۰۰ م. م) کتیبه و به پیروی از او، آگاهی‌ها کتاب مققدس و تاریخِ گزارش یونانی ادیب و وجود یک اثر تاریخی مورد تأیید حکومت وقت است مثالی چنین شیبی به رودادنگاری در سنگ‌نوتی‌های بستون و این اثر با نوع ادبی «خِدای‌نامه» متفاوت بوده است. هرچند ریشه‌های نخستین خدادانی‌نویسی از آن‌ها شرط‌های گرفته است. این شواهد بانگر آن است که این کتاب، کتابی دامنه‌دار بوده که تاریخ و روابط‌های مهم پادشاهی هر روز در آن ثبت می‌شده تا به این‌گونه منتقل شود؛ بنابراین نوعی ادبی از خدادانی‌نویسی (نام تاریخِ شاهان) در این روزگار وجود داشته است.

با حمله اسکندر و شکست هخامنشیان، دوره سلطان سلوکیان بر ایران آغاز شد. 

یونانیان پس از چهارگی نظامی درصد نشر فرهنگ خالص خود در یک یک شهرهای یونانی‌شده سرسرا ایران بودند (پوئس، ۱۳۷۶-۳، ۳۷). پس از آن که ب‌رها ماند ایشان، ایران استقلال نظامی و فرهنگی خود را بر می‌آورد، گوینده‌ها انتقال و گسترش‌های ادامه‌داری را بر عهده داشتند. این افراط که داستان‌های ملی ایران بوزه کیانی را به شکل نقل‌سی کردن (درگاه‌ها، ۱۳۸۴: ۳۴)، گوینده‌ها و سرایندگان دوره‌گردی بودند که نقش بسیار مهمی در رویارویی و مقاومت با هلنیسم ایفای کردن‌

۱ Strabo
۱ Agathias
دوره حکومت ساسانیان که پس از شکست اشکانیان آغاز می‌شد، دوره بنیادی شکل‌گیری ادبیات حمصی در ایران است. مورخان عهد ساسانی استادان مهم و قابل اعتماد ان در دوره را در تاریخ‌های منقول که در نزد خاندان‌های برزگ بوده، آمختند و خداپناه را در زمان اتوشیروان تأیید کرده، آن‌ها در کنار این روایات صرفاً تاریخی می‌توان به نوع دیگری از تاریخ‌های ویرانه این روایات با جنبه داستانی پررنگتر بوده‌اند. دائم که نظم تاریخی ویژه خود را حفظ کرده و با منابع ادبی و روزنامه‌های هم‌خوانی داشته است و در آن بین‌رود ادبی متناظر بهره است. این تاریخ‌های ادبی‌را خداپناه‌نامه نامیده‌اند. فردوسی در گزارش‌های خود به این نوع ادبی از روایات تاریخی اشاره کرده است. در شاهنامه چندین بار به داستان‌هایی در مجالس شاهان اشاره شده است (نگ: خالقی مطلق، 1390: 21-27) ازجمله به پادشاهی بهرام گور(42/۰۳۹/۱۳۹0 و یا خسروروز ۱۳۹۸) و... این نمونه‌ها از شاهنامه نشان دهنده تأثیر بلند و پردیش نوع ادبی و داستانی تاریخ ایران در روزگار ساسانی است که ما می‌توان آن را نوع ادبی «خدای نامه» نامید.

خدای نامه‌نویسی

نگ: خالقی مطلق (۱۳۸۶:۷۹) بر آن است که یک خداپناه‌نامه مادر سرچشمه اصلی و بنیادی روایات در دیگر خداپناه‌های کوشک و قرن دوم به است که هرکدام به فراور نیاز به موضوعی تدوین می‌شود. امیدسالار (۱۳۹۰:۴۳) نیز احتمال می‌دهد بس از تدوین یک خداپناه‌برزگ، جامع و مهم در عهد اتوشیروان یا برگردن نام «خدای نامه» از همان هنگام به وعده اطلاق به این کتاب داده شده باشد و همان گونه که لفظ «شاهنامه» که به یک فردوسی به طور عمیق به کار برده می‌شود کمی محدود به
حماسه حکیم توس‌شده، در فارسی میانه هم به‌تدریج کلمه «خدا نامه» به‌کار می‌رفت. شناخته‌های فرهیخته‌مند شده باشد. همان‌طور که می‌پیش‌ی‌ پس از فردوسی شاهنامه‌های فراوانی دارم (خلاچی ملفه، 1380: 27, صفحه 373-376). خدا نامهٔ مدیر و مهم خدا نامه‌های فراوانی وجود داشته است. این‌چه این حس را نشان می‌دهد تا کمک‌دهند سخن بشرام می‌توان از حمایت حادثه‌ای (۱۳۴۶: ۱۹) است که برای تنظیم تاریخ ایران به‌کمک‌دهند و جدید تجربه‌ی در دیده است.

این افتخاری منابع از خدا نامه‌های ایرانی به تجربه حکیم ریز می‌رود: آن‌چه که حمایتی از حمایت‌های این نوع تاریخ ایران باستان از دستورات مختلف سیرالدوله (ترجمه علی خدا نامه) استفاده کرده‌است (۱۳۴۶: ۱۵). این اختلاف‌ها در خدا نامه‌ها، سیرالدوله‌ها، کتاب‌ها و فارسی مرتبط با ارتباط‌های و دانستنی ایران باستان و نیز شاهنامه و گزارش‌های ویسندنی به زبان فارسی از این دانستن‌ها ما را آن‌چه دارد که پیبریم نوع تفکر و نگرش ویسندان در چگونگی پرمارش دانستن‌ها نقش‌دار داشته و تأثیر دانستن را فراخور عفیده و نяс خویت رواست کرده است. به‌عنوان مثل دانستن رسم و استندار در نهایه‌ای از روب‌رویی دیگری دارد در حالی که برای شاهنامه فردوسی و خدا نامه‌های نیک‌امیرالی‌زاده خلاچی ملفه (۹۳۷۹: ۲۷) در این رابطه خدا نامه‌های دو ساسانی را به‌دست دادن کلمه‌ی نماینده‌ی: ۱ خدا نامه‌های سلطنتی که بعیدان و نیک‌امیرالی‌زاده درباری نمایند. در این نوع خدا نامه‌ها جنبه حمایت و اشراق دانستن‌ها و پهلوان‌المورت نظر بوده است.

۲ خدا نامه‌های زندگی‌که به قلم بعیدان و دانش‌متدی دینی نوشته‌شد و در اینجا جنبه ابی‌ی و دینی باران و پهلوان‌ی بروز مشابه است. در (۹۳۷۹: ۲۷۲) به تحریریه‌گوناگونی از خدا نامه در روژگار ساسانی معطوف است که در آن روایت‌نامه‌های دیدگاهمان گردآوری می‌شده است. در بخشی خدا نامه‌ها که شاید پیران شاهی نقش بیشتری در تدوین آن‌ها داشته‌اند و قوای و حواشی سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است، اما در تحریر‌هایی که می‌دانند و روشن‌های در تدوین آن‌ها شرکت داشته‌اند و نمونه‌هایی از آن‌ها را در کتاب‌های پهلوی می‌پذیریم و بیدار نهایت نگریسته شده است. شهابی‌زا اختلاف خدا نامه‌ها را ناشی از تفاوت اندازه‌گیری درون‌دادرانگان آن‌ها می‌داند و آنان را به سه گروه تقسیم می‌کند:
نخست (کسی که حواله به پهلوانان مأمور و ملک ولیعصر بوده) دوم آنان که از بازنشستگی و سایر اقدامات بهداشتی پرداخته‌اند، و در مورد نهادهای دو مورد توجه قرار می‌دهند (کتبیه و سوء آداب دیسی) هم خدا از نامه‌ها را به وی بخش "خدای نامه‌های اشراقی" توشته‌شده براساس سلیقه اهل شیعه و "خدای نامه-های مذهبی" ترتیب بیان‌شده از میوندان و مذهبیان تفسیر می‌کنند. این اختلاف در تفسیر را در انتقال به شاهنامه نیز می‌توان دید. به‌عنوان مثال در شاهنامه ابوالبعیضی پیراهن برخی از اخلاق‌آمیزی - (377: 11) کیومرث «خشن‌خان انسان» و بیانگر روایتی وابسته است، اما در شاهنامه برونزی (1:38: ص۱۲۶، س۱)، کیومرث «خشن‌خان» و نشان دهنده روانی دوی در پهلوان است.

نکته‌ی دیگر در انتقال‌های نامه‌های از دوران ساسانی به دوران اسلامی این است که در ترجمه‌های عربی خدا نامه‌ها به‌طوری در عناصر زندگی حرف‌های شاهنامه (تدریسی) ۷۷۷:۳۲ و استفاده کننده‌اند از ترجمه‌های عربی. نیز کتاب‌داران، یک دیدگاه حضرت از خدا نامه‌ها و درصد برطرف کردن آنها بوده‌اند، مثلاً و روزن۱ (۴۳) و درباره‌ای اختلاف‌ها او به سه دستی تقسیم می‌کند. از متعلق به جهاد برکی و زادوه بن شاهویه اصفهانی را فقط "نقل" (ترجمه) می‌خواند. دو ترجمه محتوی بن بی‌حکم ته‌گیری، اصفهانی و هم‌شان بن قاسم اصفهانی را "قله و جمع" (ترجمه و گردآوری) می‌نماید و کتاب به‌پاره‌ین و مردان شا، آقا "اصلاح" (تصحیح) می‌داند. کیستین سن (۱۲۶: ۳۴) و مشکور (۱۲۸۴: ۱۴) نیز طبقه‌بندی ای مثال با روزن دارند.

نکته‌ی دیگر در این اختلاف‌ها ممکن است به منابع کتاب‌خانه‌ها و مکان‌های «گردآوری و تدوین ترجمه‌های خدا نامه» بازگردد. برای مثال: مکان‌شناسی تدوین و ترجمه خدا نامه‌ها به زبان عربی آن‌ها را در سه مکان طبقه‌بندی می‌کنند: ۱ در روزن‌ال بیست و دومین قرن، ۲ در اصفهان که مرکز اصلی زندگی معنوی ایران شماری می‌رسفت. ۳ در خراسان در قصر حکم‌العرب غیبتی در هر کتابخانه‌ای از دست‌نوشته‌های پهلوا وجود داشت که نبوغ روانی به هنگام فرار برگرد. کتابخانه‌ای از دست‌نوشته‌های پهلوی وجود داشت که نبوغ روانی به هنگام فرار برگرد. کتابخانه‌ای از دست‌نوشته‌های پهلوی وجود داشت که نبوغ روانی به هنگام فرار برگرد.

1- B. V. Rozen
دریازه حضور برخی از این آثار در خداویان‌ها نظرهای مختلفی وجود دارد.

ازجمله دریازه‌اشدانت اسکندر:

- شماری از محققان یاراند که دست‌اشدانت اسکندر در خداویان‌ها وجود داشته است.

نولدکه (۱۳۶۷: ۴۴) معتقد است دست‌اشدانت اسکندر این‌گونه که در شاهنامه‌امد، در سده هفتم میلادی از بیوتیان با لاتین به پهلوی درآمده بود. سپس از پهلوی به عربی و از عربی به فارسی برگردانده شد و از آنجا به شاهنامه‌ای پرکرمی به نام‌اشدانت اسکندر در خداویان‌ها نبوده است. همچنین به گفتگه صفا (۱۳۸۴: ۱۹۹) از آنجا که نویسنده‌اشدانت ایوب‌نموزی که مافذ اصلی آن‌ها بیشتر کتب پهلوی بوده، از دست‌اشدانت اسکندر سخنی به مدان پیادره‌اند. فردوسی برای پرکرمی این بخش به‌عنوان نویسنده دست‌اشدانت مشهوری که در این ایام دریازه‌اشدانت وجود داشته، استفاده کرده است. خالقی مطلق (۱۳۸۶: ۲۹) نیز به پیروی از نولدکه بر آن است که دست‌اشدانت اسکندر در خداویان‌ها نبوده و توسط یکی از مترجمان شاهنامه ایوب‌نموزی به عنوان آفروزده شده است.

اما تفایل (۱۳۷۷: ۲۰۰-۲۰۵) اسکندرنامه‌را ازجمله کتاب‌های فارسی‌ای می‌داند که اصل پهلوی داشته‌اند. به نظر وی دست‌اشدانت اسکندر و فتوحات او که به بیوتیان نوشته شده بود، در اواخر دوره ساسانی از بیوتیان به پهلوی ترجمه و همین ترجمه پهلوی در تدوین خدائآی‌نامه به کار گرفته شده (۴).

به هر روی خداویان‌ها پهلوی که در زمان ساسانیان تدوین و در سده نخست هجری کامل گردیده، مورد توجه اعراط واقع شد و دانشمندان آشنا به زبان پهلوی و عربی به ترجمه این کتاب برخختند و آن را از پهلوی به عربی ترجمه کردند. اختلاف این ترجمه‌ها به‌ویژه بوده که حمایه اصفهانی در نوشتن تاریخ خود به این اشکال‌ها برخور و به‌ناگاه بایوی نوشتن آن از هشت‌ساله متفاوت استفاده می‌کنند. این‌تکه‌ها عبارتند از:

۱) سیر ملک‌الفرس، ترجمه این مقفع
۲) سیر ملک‌الفرس، ترجمه محمد بن جهم برهمکی
۳) تاریخ ملک‌الفرس، مستخرج از گنجینه مأمون
۴) سیر ملک‌الفرس، ترجمه زاده‌ی بن شاهوی اصفهانی
۵) سیر ملک‌الفرس، ترجمه با تأليف محمد بن بهرام بن مطهر اصفهانی
۶) تاریخ ملک‌بنی ساسان، ترجمه با تأليف هشام بن قاسم اصفهانی
۷) تاریخ ملک‌بنی ساسان، اصلاح بهرام بن مردان شا مود


(8) تاریخ بین ساسان، موسی بن عسی کسروی

همچنین موسی کسروی که حمزة اصفهانی در تنظیم تاریخ خود از روایات وی بهره گرفته بیان اختلاف از ترجمه خدایانه می‌کند: «در کتاب موسوم به خدایانه که چون از فارسی به عربی ترجمه شد به تاریخ ملوک الفرس» موسوم گردید، نگریستم و در نسخه‌های آن چندین بار دقت و استفسار گردید. همیشه آنها با یکدیگر اختلاف داشتند تا آن چا که یک نسخه یک‌و‌کار و مطلب نیافتم» (۱۳۴۶: ۱۲۳).

البته بیان نقل قول حمزة اصفهانی از مهر مودی این اختلاف‌ها در متن عربی به اصل خدایانه، پهلوی برمی‌گردد: «بهرام موده گوید: بیست و اند نسخه از کتاب خدایانه را بدست آوردم و سنوات تاریخی یادگار ایران را از زمان کیومرتو در بشرتاپان، زندگی در تاریخ اصلی کردم» (۱۳۴۶: ۱۹).

این اختلاف روایات در ترجمه خدایانه به زبان عربی بسیار از نظر حمزة اصفهانی است. قزوینی (۱۳۱۲-۱۳۱۳: ۱۷۸) و تقدیم‌دار (۱۳۱۲-۱۳۱۳: ۸۲-۸۳) نیز نمونه‌ها دیده‌اند را معرفی می‌کند تا آن چا ادکلی در پژوهش برای مباحث از زمان کیومرت پدر بشرتاپان، زندگی در تاریخ اصلی کردم به‌شکلی ترین این روایت‌ها ترجمه این مقعف و موضوع مورد بحث این پژوهش است.

انتقال خدایانه از دوران ساسانی به دوران اسلامی

در زمان ظهور اسلام و تا مدت‌ها پس از آن اعراب تاها به خواندن قرآن و آموختن تعالیم آن می‌پرداختند. با گذشت زمان زمینه برای علوم شرعی آماده شد و بعدها اشعار و روایات دوره گاهی نیز به‌عنوان علوم ادبی شناخته شدند. اما اعراب تا مدت‌ها پس از ظهور اسلام با تأثیر و تدوین کتاب آشتی نبودند و تمام انسان‌های آنان به‌گونه‌ای نقل و روایت بودند. درواقع آنان بی این خیفه پیگیری که در اسلام آثار گذشته‌ها را از اینجا برده و با وجود قرآن نیاز به کتاب‌های علمی گذشته‌ها نیست، اما توسیع دین و گروه‌های ملل‌های دیگر به اسلام این گمان از بین رفت و مسلمانان به تجربه و نقل آثار ملل‌ها کتاب در زبان عربی برداختند. (محبوبی، ۱۳۶۷: ۱۲۶). در میان این ملل‌های ایرانی از همان قرن‌های تاریخی در کسب علم و دانش و نشر فرهنگ و تمدن در جامعه اسلامی پیشگام بودند. بسیاری از اندروی، کلمات قصایری لطفی‌ها و فقهی‌ها اخلاقی خاصی که جنبه‌های علمی و تجربی داشتند، پس از اسلام مورد توجه دانشمندان ایرانی مسلمان قرار گرفتند و در کتاب‌های ادب و اخلاق و تاریخ به عربی ترجمه شدند (پژوهشی، ۱۳۷۷: ۲۰۲).
هنگامی که اعراب تمام دانش خود را صرف تقلید از اشعار قدمی جاهی می‌کردند، ایرانیان با تأثیر کتاب‌هایی که بر اساس علوم اسلامی همچون قرآن تفسیر، حدیث، فقه و و حکاکی علوم مربوط به زبان و لغت عرب به پیش‌آمی خود را در جهان اسلام نشان دادند. با توجه به آثار بهره‌وری به زبان به نشر فرهنگ و دانش ایرانی برداختند. کتاب‌های ترجمه شده ارسوی دانشمندان ایرانی علوم مختلف را در به داشت که می‌توان به اختصار آن‌ها را به پنج دسته (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۲۹) تقسیم کرد:

- دانشمندانی که به ترجمه انواع مختلفی از علوم و معارف اروپا خود پرداختند.
- ترجمه‌گران، متخلص‌المال، ادبیات، ترجمه‌گران کتاب‌های تاریخی و داستانی، روزنامه‌نگاران کتاب‌های پرورشی آبادان‌آمیزی و رفتار بسته‌بندی... در میان این پنج گروه مهم‌ترین کتاب‌ی که از پهلوی به عربی ترجمه شده، خداوند admirable می‌باشد. این گروه در به و در برخی موارد دچار تحریف شده‌است. بنابراین در کتاب‌های متن بالایی (الف، ۱۳۷۴: ۹)، گریستنسن (۱۳۷۶: ۱۵) و کلمیا (۱۳۵۹: ۳۹) از البته نام‌هایی اصلی تا بعد خسروپوری به نام‌های تابعه‌ای است.

(۱) و یائی این عصر تا مرگ یک‌گرد آخرين پادشاه ساساني می‌بودند زدختی به آن افزودند. این امر سبب شده که غالب‌اً در حوادث مربوط به این فاضلاً زمینی یعنی از زمان خسروپوری تا پرداخت اختلاف‌های میان روایت‌های ایرانی و عربی به وجود آید... زیرا تاریخ‌نویسان مطالعه این دوره را از منابع متعارف گرفته‌اند در حالی که مطالب پیش از آن همه از یک منبع یعنی تاریخ رسمی ساسانی یا خدایان‌نامه اصلی بوده است. نظر شهابی (۱۳۸۲: ۸۹) درباره و جهان‌آک‌خاریخ‌نامه‌ها دیدگاه گریستنسن را تأیید می‌کند. بنابراین درخواست‌های خدایان‌نامه‌ها ۱) پادشاهان ایرانی را صاحب فرّ می‌شمرند.

۳) زدختی را اساس سیاست و کشورداری و هم‌زمان دولت ساسانی نشان می‌دهد. به هر یک تاریخ بیش‌تر می‌آخذ همه تاریخ‌نویسان فارسی و عربی درباره ایران بیش از اصل است (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۲۹) که بنابراین نظر نولدکه (۱۳۸۸: ۲۲) ممکن است به تدریج با جمع‌آوری قطعه‌های پراکنده ترجمه‌ای مقیف در این متن‌ها به ترجمه عربی خدایان‌نامه وی به عنی سیرالملوك دست یافت.
متن تاریخی عربی در پیوند با خدا/نامه (10)

- تاریخ عقوقی
- المعرف
- عيون الاعیار
- اختبار الطوال
- البده و التاربخ
- تاریخ طبری
- تاریخ سنی ملک الارض و الامپراتوری
- مروج الدّهد و معادن الجهر
- تجارب الامام

از میان منابع یادشده/ اختبار الطوال دیوی دیوی ادی این اثر بر پایه این اثر دارد.

سپاری از زبانه‌گران نهایی اثر را گسترش یافته/ اختبار الطوال پدیدارکرده‌اند؛ از این رو متن عربی و ترجمه فارسی این کتاب در یک‌شاخ ترجمه با نهایی اثر مقایسه شده است. اگرچه اختبار الطوال بسیار خلاصه‌تر از نهایی اثر است و سپاری داستان‌ها و عقب‌للها تامی و واقع موجود در نهایی اثر در آن نیامده است. به‌عنوان مثال: در حالی که ماجرای پیالش در نهایت اثر در 15 صفحه بطری مفصل پیان شده، در/ اختبار الطوال تنها یک سطر به پادشاهی وی اختصاص یافته است. این در اندک مواردی/ که دیوی خطبه با داستانی را بطور کامل پیان کرده است (مثلا در پادشاهی هرمز/ جهت تفاوت‌های معقول موجود، شیوه متن به‌گونه‌ای است که می‌توان اهمیت نهایی اثر را با/ اختبار الطوال بطرف ساخت؛ نیازی نیست که گفت که/ اختبار الطوال یکی از منابع اصلی نویسندگی نهایت اثر بوده و یا هر دو این کتاب‌های دایری مختلی مشترک/ بوده‌اند، اما دیوی تاریخ‌نگار به‌دلیل توجه به تاریخ تا حد امکان به خلاصه‌نویسی و حذف ماجراهای تاریخی پرداخته است در حالی که مؤلف نهایی اثر برای گدآوری/ یک متن تاریخی کامل و مفصل ناری کرده است طالبی را که ارزش تاریخی نداشته.

اما به دلایل برای آن مهم بوده نیز همراه با شرح کامل جزئیات اثر دهد.

نهایه‌ای اثر در اختبار الفرس و العرب

این مقعّد در سال‌های پیش از 142 هجری قمری خدا/نامه را بر عرب ترجمه کرد. اما نهایاً نقل قول‌هایی از او و اثری که به سیر الملوک نامبرده اثر در شرایط مانده است. مهم‌ترین منبع در شناخت این نقل قول‌ها کتاب نهایی اثر فی/اختبار الفرس و
بازشناسی خدایان‌هایی به روایت این مقفع

عرب است که تقریباً نیمی از این کتاب را ترجمه سیرا/ملکو به روایت این مقفع تشکیل می‌دهد. متن کامل این کتاب را از لحاظ موضوع می‌توان به دو قسمت کلی تقسیم کرد:

۱) بخش مربوط به تاریخ ایران که راوا ۳۱ این مقفع(۱) است. اگرچه روایت‌های کوچکی درباره ایران از شعبه و دیگران نیز نقش شده و گاهی با روایت‌های سامی آمیخته شده.

۲) بخش مربوط به تاریخ سامی که از آفرینش آدم آغاز شده و تا دوره پادشاهان عرب پیش این است. راویان این بخش‌ها اصمی (۱۱) اپالیخترا، عمار شعیبی (۱۲)، آیوب ابن قریحه (۱۳) و هستند.

با توجه به همین موضوع نبوده می‌توان یک نشانه فراوان آوردن دوره کاملی از تاریخ ایران و عرب با استفاده از مهم‌ترین منابع و راویان به گردآوری نوشته‌ها و روایات پرداخته و تاریخی جامع فراهم آورده، اما متأسفانه هیچ تام و ناشی از خود برای تغذیه است.

کتاب نهایی ارث پس از ستایش خداوند با مقیاس‌هایی از قول اصمی آغاز می‌شود که یکی از متنی به اهواز اپالیخترا داشته آفرینش آدن می‌باشد. متن این بخش از نظر روز در دو قسمت виде از اپالیخترا و همچنین تلاش‌های دیگری جامع فراهم آورده، اما متأسفانه هیچ تام و ناشی از خود برای تغذیه است.

سیرا/ملکو عیوب‌الله بن مقفع یعنی ترجمه خدایان‌هم‌نیاوله و کتاب باشدیده با تاریخ اقوم و سامی آغاز می‌شده است.

پس از تکمیل سیرا/ملکو ازسوی اصمی و اپالیخترا، سیرا/ملکو اصلی که برای هرآن خوانده می‌شده، آغاز می‌گردد. این بخش از کتاب نیز با مقیاس‌های بحث‌برانگیز آغاز شده که نشان می‌دهد عیوب‌الله بن مرادی در سال ۵۸ هجری دانشمندانی چون عماری شعبی و آیوب بن قریعی و عیوب‌الله بن مقفع را برای نوشتن کتاب سیره و اخبار الملوک گرد هم آورده است (ص ۱۶-۱۷).

نکته درخور توجه در این مقفع‌های است که حضور سه نویسنده‌ی داده به عنی عیوب‌الله بن مقفع، عماری شعبی و آیوب بن قریعی در کتاب سیره و اخبار الملوک، دیگر نیست. ذکر کلمه «راوا» در متن کتاب (ص ۲۴۶) دلیل گویایی است بر این نکته که کتاب فراهم آمده دست فردی علاقه‌مند به تاریخ ایران و اعراب است که اطلاعات رجال سناسی دقیق‌دانش‌های این مقفع‌های برای اعتبار بخشیدن و مستندگردن تاریخ تلفیقی خود بررسایه است. نکته دیگری که در این مقفع را تأیید می‌کند، به خوردن
پژوهش‌نامه ادب حماسی، سال دهم، شماره هفتم، بهار و تابستان 1392

۷۰

جمله‌هایی کوتاه در پایان هر قسمت از کتاب که نشان می‌دهد گردآورنده با استفاده از آن‌ها تلاش کرده بخش‌های مربوط به تاریخ ایران و اعراب را به یکدیگر بیان دهد. به عنوان مثال در پایان پادشاهی بهمنه که قصد دارد به پادشاهی بهمن و فرزندان حکدان پردازد. چنین می‌گوید: «مات بهمین و بیان افتخاری در زمان واحد» و کان ملک و ملک بهمن بن اسفندیار تامین سنگه. (ص 88). با یک از ذکر پادشاهان چهارگانه بهمن و خواهران پیش از پادشاهی هرمو چنین می‌آورد: «قال عبدالله بن المنقوع: و کان ملک العجم در عصر هولاویه و اختمین ابضعه، هرمز بن ساسور بن ارشدیر بن بایکیان». (ص 208).

پس از مقدمه، متن کتاب با تاریخ اقوام سامی ادامه می‌یابد. 82 صفحه آغاز این کتاب مربوط به تاریخ اعراب است و تنها اشاره‌ها جزئی و گذرا به تاریخ ایران در آن بیشی می‌گیرد. از صفحه 83 تا صفحه 85، تاریخ ایران با برای کتاب عدل الله بن المنقوع، «غاژ می‌شود و نخستین روابط نبرد رستم و اسفندیار است. به عبارتی در این کتاب مطلبی درباره تاریخ اسطوره‌پیش‌دایان و کیانیان به روایت این مقعیت وجود ندارد. اگرچه باوجود عبارت «رجب الحدیث» از ذکر ملک العجم در آغاز داستان رستم و اسفندیار به نظر می‌رسد که گویا این کتاب نیز با تاریخ پاشاهان پیش از گشتاسبی آغاز می‌شده است. ذکر نام این محقق از آغاز داستان رستم و اسفندیار تا داستان حسرو و بهرام قوجین (ص 33-82) ادامه می‌یابد. سپس از مرگ خسرو برویز تا مرگ بردگردان از نام این مقعیت نیست. گویا گردآورنده نهایی ایران، تاریخ ایران پس از خسرو برویز تا مرگ بردگردان از کتاب و روایتی دیگر و بدون اشاره به نام راوی آن اورد است. به هر روی نهایی اربابی آمیخته/ تاریخ و ادبیات ایران بوزه خیاب نمی‌باشد. این کتاب تألیف آن را منوی نامه‌های جهان و پنجهم هری دانست. انتظار نشان می‌دهد که این کتاب مستقیماً به دست مورخین عرب در سده‌های و سوم تویته نشده، نبر این کتاب است که با یکی‌گهای نثر آن دوره‌ها متفاوت است و در آثار این دوره نیز به این اثر اشارهای نشده‌است. در این نهایی ارباب‌گروهی فراموش آمده از روابط واگردان مشهور تاریخ ایران و عرب است که شخصی علاقه‌مند به تاریخ که ظاهره در متن برنامه نام‌برد تاریخ چراغی از خود به مکس، آن را گردآوری کرده‌است. وجودی به گونه‌ای آثار این تاریخ‌گزاران را درک کننده‌ای که سال‌ها که استفاده از آثار راوین نامبد از کتاب به معرفت اثرات و پایان پیوستگی و توجیه این‌گونه به دوی زندگی آن سبب شده مطلبی غیرمهمکن دیه حضور این افراد در کتاب یکدیگر و در...
دریار عبدالملک مردان بیان شد. به‌هر روز نهایتِ ارب روایات و آثار پنج راوا، تاریخ‌نگار و مترجم برجهست تاریخ و ادب ایران و عرب را یکجا در خود دارد که عبارتند از:

1) این قرن‌های (م. ۸۴۷-۹۴۲) خطب و شاعر عرب.
2) عامر شعیبی (م. ۸۷۳-۹۲۴) از راویان معروف عرب.
3) عبدالله بن مقفع (م. ۹۲۲-۹۷۸) دانشمند، نویسنده و مترجم ایرانی.
4) اصحاع (م. ۹۱۶-۹۹۱) راوی، ادبی و لغت‌شناس اولوی عصر عباسی.
5) ابن‌البیختری (م. ۱۰۲۰) راوی، تاریخ‌نگار و محدث عرب.

البته در کنار این پنج شخصیت، از راویان کمتر شناخته شده‌ای نیز باید شده است که بیشتر رواینگر تاریخ عرب جاهلی هستند و ارتباط با تاریخ ایران، خدای نامه و این مقفع ندارند. حضور تاریخی راویان برجهست نهایتِ ادب را می‌توان به سه دوره زمانی تقسیم کرد:

۱) دوره نخست: رواه‌های مربوط به این قرن‌های عرب و عامر شعیبی در حدود سال ۷۵ هجری با موضوع تاریخ اعراب از زمان سام بن نوح و بخشی از تاریخ ایران.
۲) دوره دوم: رواه‌های مربوط به این مقفع در زمان پیش از سال ۱۴۴ هجری با موضوع تاریخ ایران بوزه دوران ساسانی.
۳) دوره سوم: رواه‌های مربوط به اصحاع و ابن‌البیختری در آغاز سده سوم هجری با موضوع آغاز افریقیه آدم ناسی نوح.

بنابراین می‌توان نهایتِ ادب را کتابی تاریخی فراموش‌آمده از سه منبع دانست که یکی از آن‌ها در خصوص تاریخ ایران سیرالملکوک این مقفع بوده است. بخش‌های مربوط به رواه‌های مقفع دربیا تاریخ ایران به نقش از سیرالملکوک وی در این کتاب برجهست و از سبیل‌دار سلطان این دانشمند برجهست ایرانی بر زبان پهلوی (فارسی مبانی) و نیز تبخری خاص وی در زبان عربی نسبت به شده‌ها و به عنوان حلقو اغراقی و مبانی جزئی‌ها به‌پهلوی و عربی سبیل‌دار از آثار پهلوی از آثار عربی ترجمه کند. یکی از این آثار خراب‌نامه است که ممکن است جزئی‌ها از اصل پهلوی آن در دست نیست. این روانی‌العرب مهم‌ترین منبع در شناخت خداونامه دوران ساسانی است. بعضی از پس از تاریخ‌نگاران رواه‌هایی که منحصراً با نام این مقفع روایت شده است می‌توان به خطوط کلی خداونامه بوزه در دوره ساسانی دست یافت. رئوس کلی مطالعه سیرالملکوک این مقفع در نهایت‌العرب این گونه است.
نتیجه‌گیری
در این نمای گلی می‌توان گفت که راوی نهایی ارب از دوران تاریخی سیرالملوك این مقع در کتاب خود بهره برد و در دوره‌های تاریخ ایران یعنی پیشینه‌های و کتاب‌های راه‌نمایی به دلیل افسانه‌ای بودن آنها نیازهای و اکثر اروند به دلیل به دست ما نرسیده است. هرچند در ترجمه فارسی که این یعنی تجارب‌السلام سیرالملوك از پیش‌داران پیش‌دار و کیانی نیز آمده، در دو موارد با روایتی سالمی درآمده است. کتاب این که در روایت این مقع بخش‌ها و داستان‌های خاصی وجود دارد که صورت کامل آنها همراه با جزئیات در نهایی ارب بیان شده و نمونه مشابه آنها در متن مربوط به تاریخ ایران نیامده است. از جمله: داستان فرخزاد پسر افرین نیای اردولن اشکانی، داستان بهرام هرملیان و ماجرای اعتصاب عمومی در دو موارد پادشاه و داستان بلش و دیگر هندر. سابقه در دو موارد پادشاهی و هرملیان مشکلاتی و مبادله در پادشاهی خسروپور و... علاوه بر این گردآورنده نهایی ارب تا پادشاهی خسروپور از سیرالملوك‌بدالله بن مقع بهره برد و ادامه تاریخ ایران یعنی از مقر خسروپور تا مرگ پادشاه را که رابطه مستقیمی با تاریخ اسلام دارد، از منابعی دیگر جز سیرالملوك این مقع نیاز کرد است، از این رو با اطمنانی تزدیک به قبیه می‌توان ترجمه نهایت ارب را از پادشاهی گستارش تا خسروپور از این متن استخراج کرد.
پی نوشت‌ها

۱. برای آگاهی از زبان یهلوی، مصوبه ۱۳۸۲-۶۱۶.
۲. ... به فراورده این نامه‌های شهرت و کارنامه‌ها و زندگی‌های بی‌کی، و روزگار داد و بیدار کرده و جنگ و آبین از کی نخستین کی اندر جهان یا بوذ کی آین مرمی اوید و مردمان از جوانان یکی اورد تا زدگرد شهرت کی آخر ملک عجم بوید... (دیپانگه شهرت‌ها)

۳. جوان به زمان بزرگ شهیران رسید مجموعه ای که برای عدم معیار درختن آمده بود. دانشور دهقان را که از جمله اکثر مانند بوید و شجاعت و حکمت باهم جمع داشت، برای را این نواری را نهاد یا از این‌یاده دیوریت نا آنتیا سلطنت خسروی بر ترکیب یاد کرد. (رباح‌ی، ۱۳۸۲: س، ۱۹)

۴. همچنین نک‌اگاه‌سالار، ۱۳۸۴: فبروزی، ۱۳۸۴: ۲۳۶/۲۳۷-۲۴۱.

۵. انجل در تاریخ‌نامه خدا نیک محسوسی، جدایی نامه اسیا: «به برند نامه...»

۶. در راهیار ارتب (صص ۱۵۹-۱۷۱)، ماجرا ره خان بی‌آفرین داستانی نسبتاً طولانی است به روایت عبدالله بن مقفع که به سرگذشت رطخان و بوداقبی در نکده، پدر و نیای اردوان اشکانی برد. دیواین است. این داستان که در دیگر مبان تاریخی نیامده است شما بی‌پک مقصد در راه اشمیان هرودا به عنوان اردوان نیای یزد اشکانیان و متن داستانی درباره فرخان و بوداقبی و نبض داستان تودرتو فرعي است.

۶. چه در راهیار این داستان در شهرت‌های نظری‌های متفوقی وجود دارد: گروهی بر آنند که برند رسم و اسفندیار در شهرت‌های نبرد آبی مهرا و دینی زرتشتی است. برخی دیگر معتقدند که این برند بر سر قدرت است و پنل‌ما دینی ندارد.

- نک: یافته، مرکز ال‌جغرافیه ۱۳۹۰. (ساختارشناسی تطبیقی داستان رستم و اسفندیار در نهایی راپر و شهرت‌های جستارهای ادبی، مشهد: دانشگاه فردوسی، س ۴۴ ش، صص ۱-۲.

۸. نک: قاطعی، حسین و... (بزرگ داستان اسکندر و دارا در روایت این مقفع و فردوسی، جستارهای ادبی، مشهد: دانشگاه فردوسی، صص ۱-۲۵، س ۴۴) این پژوهش نشان می‌دهد که روایت فردوسی در همین مطالعه، دیگری از امروز روایت این مقفع است با این تفاوت که فردوسی با نگرش داستانی مطالعی را که به کار وی نیم انتهاد است، حذف نموده و جزئیات را که لازم باید بدانند امروزه این روایت این مقفع در نهایی ارپ می‌توان گفت که اخاد داستان اسکندر در شهرت‌های ادبی، نیز شهرت‌های اندیشه‌سوز، خدایی، بوده است.
پژوهش‌نامه ادب حماسی، سال دهم، شماره هفدهم، بهار و تابستان 1393

۹. این نظر برگرفته از مقدمه‌شناخته باستانی‌ی ادب است. در این مقدمه‌چین آمده است: 
که به زمان بردگرد شهیرس رسن مجموع آن تواریخ اثربخش در خزانه مجموع آمد بود.
دانشور دفاع را که از جمله اکثر مداخل بود و شجاعت و حکمت با هم جمع داشت، فرمود تا
آن تواریخ را فهرستی نهاد و از اندیش دوبل کوچر انتخاب سلطنت خسروپر بر ترتیب
باید کرد (رضا، 1382: 179).

۱۰. برای اگاهی بیشتر نک: مشکوره، 1381-14، 1489-150، کولن‌نیکف، 1389.

۱۱. ابومحمد عبدالله (حدود ۴۰۰-۴۲۵/۴۳۵) نویسنده بزرگ و متجمق آثار
پهلیوی به عربی و شناسانده ارزش‌های فرهنگی تاریخ ایران با نام ابداء، یکی از جه‌های بین ادبیات اسلام و از پیشگامان برجهست ادبیات ایب (تارب، نژاد، 13۹۰) و صاحب
آثار پیوند امانی به زبان عربی همچون حکمی و دمنه، ادب کرم‌زاد، ادب‌الشعرای، الیعیه و...
(ابن مؤقع، 1۴۱۳) است. این موضوعات آن ابین مؤقع در رابطه با فرهنگ ایرانی ترجمه کتاب
خداوند از پس از عربی است که زمانی است که فارسی و الفبای عربی را در ایران پیشی بگیرد.

۱۲. ابوسعید عبدالملک بن قرب (۱۲۵۰/۱۲۵۳-۱۳۲۱/۱۳۳۱) ادب، و نویسنده نام‌نور اول عصر
عنایی که به نوشتن و تدوین روایات شفاهی هست گراخت. یکی از پیشگامان قدیمی و
تدوین کتاب تاریخ و اخبار که بیشمار از آنها مورد مطالعه و ترجمه و تغییر طرح بیدار
و تاریخ معنوی ادبیات ایران بوده و غیره است که در آن به‌ناقل ایزاع، و انساب
پادشاهان کهن عرب و... برداخته است. نک: فاتحی‌زاد، ۱۳۸۳: ۱۲۵-۲۳۷.

۱۳. و در نهایت و به بر و بن عبدالله بن زمعه ترشه. (۷۵۰) ۱۲۷۳/۱۳۷۵، پاکتیجی;
موزه و مجله عرب که ولادت و ار در فصله سالهای ۱۲۰۰-۱۳۰۰ در مدينی دانسته‌اند. نک:
پاکتیجی، ۱۳۷۳/۱۳۷۵: ۱۵۰-۱۷۹.

۱۴. از روانی مروف عرب که در سال ۱۲۳ ق درگذشت است (خطیبی، ۱۳۷۵۶: ۱۴۱-۱۴۱۳).

۱۵. ابوسلامیان آبیپ بن زید (۱۴۲۷). و مانند أكثر خصیبان و شاعران بودی از هنر
نوسنده و خواننده یکی به بوده، اما در متولی این اثر نکته تأکید شده نامی و از دستخوری
نماهی در اصلین ابراز اصولی طی روایتی که به اقصائي می‌رسد، وی را شاگرد و ساتی
دانست و نامش را در شماره افرادی همچون مجنون عاوره اورده است. دانسته‌ها درباره وی
ساخته شده که بر این بودن و فصاحت و تأکید دارد. این قریه به دستور حجاج کشته شد. نک:
نسوری، ۱۳۸۰: ۳۴-۳۴۶۳.
فهرست منابع
- بسوم، ابوابور. دولت و اعترافهای ایونو. (۱۳۸۲). «دیوانچه شاهنامه ایونو». رحیم رضا، ماهی. نامه انجم، ش ۱. صص ۱۲۱-۱۲۶.
- بلعی، ابوعلی (۱۳۷۸). تاریخ‌نامه طبری. تصویب محمدرضا. تهران: سروش. ج ۴.
- بلعی، ابوعلی (۱۳۸۰). تاریخ بلعی، تصویب محتوم‌تیب. تهران: زوار. ج اول.
پژوهش‌نامه ادب حمصی، سال دهم، شماره هفتم، بهار و نیمه‌های ۱۳۹۳

76

- محمد کلانتری. مشهد: دانشگاه فردوسی. چ اول.
- نفیسی، احمد. (۱۳۷۷). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش زاله آموزگار.
- تهران: سخن. چ دوم.
- ج ۱. صص ۴۶۴-۴۶۹.
- حمزة بن الحسن اصفهانی. (پی‌تای. تاریخ سنی ملوک/الارض و الانتهاء. بروت: دار
- المکتبه الحیاتی.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۷۶). «این برایی بخشه» دانشنامه ایران و اسلام. ج ۸. تهران:
- بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- خالقی مطلق. (۱۳۸۶). حماسه، پدیده شناسی تطبیقی شعر پهلوانی. تهران:
- مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. چ اول.
- خالقی مطلق. (۱۳۸۶). «از شاهنامه تا خدای نامه». تعمیر ایران باستان س ۸ ش
- ۱-۳ صص ۱۱۶-۱۱۹.
- تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. چ اول. صص ۴۲۵-۴۲۷.
- خسروی، زهرا. (۱۳۷۷). «ابن قریه» دایرة المعارف بزرگ اسلامی. ج ۴. زیرنظر کاظم
- موسوی بجوری. تهران: دایرة المعارف بزرگ اسلامی. صص ۴۶۴-۴۶۷.
- خطیبی، ایواض (۱۳۸۶). «نگاهی به کتاب نهایی ادب و ترجمه فارسی قدمی
- آن». تعمیر فرهنگستان. س ۲. ش ۴. صص ۱۴۰-۱۴۹.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۴). اقیانوسی، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان. ج ۱ و ۲. تهران:
- مرور، ج دوم.
- روزن، بارون. (۱۳۸۷). «دردیر ترجمه‌های عربی خدا نامه». تعمیر فرهنگستان.
- ترجمه محسن شجاعی. ترجمه بهرامیان. صص ۱۱-۱۵.
- راوجی، محمد‌ع. (۱۳۸۲). سرچشمه‌های فردوسی سناسی. تهران: پژوهشگاه
- علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چ دوم.
بازشناسی خدادای نامه به روایت این مطاف

- زرتشتی، زهره. (۱۳۸۴). میراث ادب روای در ایران باستان. تهران: دفتر
- پژوهش‌های فرهنگی. ج. اول.
- عامری، ایب الحسن. (۱۳۸۶). السعاده و الاسعاد در سیری الانسانیه. به کوشش مجتبی مینوی. آلمان و بیساند.
- عمران، محمد، محمد. (۱۳۵۲). «خدادینامه و شاهنامه‌های مأدخ فردوسی».
- جشن‌نامه محمد پروین گنابادی. به کوشش محسن ابوتقاسمی. تهران: توس. صص ۲۳۷-۳۳۲.
- غرگانی الخراسانی، محمد. (۱۹۶۵). عبدالله بن مطاف، قاهره.
- فاطمی، حسین و ... (۱۳۸۰). «بررسی دستان اسکندر و دارا در دو روایت این مقنع و فردوسی». جشن‌نامه ادبیات (ادبیات و علوم انسانی سابق)، مشهد: دانشگاه فردوسی. صص ۲۷۱-۲۷۴.
- کتاب مقیده (۱۳۸۰). ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن. تهران: اساطیره. ج. اول.
- میراسب، رضایت‌الله. (۱۳۸۴). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمنی. تهران.
پژوهش‌نامه ادب حماسی، سال دهم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

78

- مجموع التاریخ و القصص (۱۳۸۸) به کوشش محمدتقی بهار. تهران: خلیفه. ج. اول.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۸۷). تاریخ سیاسی ساسانیان، ج. اول، تهران: دبیر کتاب.
- مقدسی، مطهر بن طاهر. (بی. تا). البدا و التاریخ. با جامعه گفتاریههای دینیه.
- تودکه، تودور. (۱۳۷۷). حماسة ملکی ایران. ترجمه وزرگ علوی. ج. دوم.
- تودکه، تودور. (۱۳۸۸). تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان. ترجمه عباس زرباب. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ج. دوم.
- یاهقی، محمد‌جعفر و ... (۱۳۹۰). «ساختارشناسی تطبیقی داستان رستم و اسفندیار در نهایه العرب و شاهنامه». جستارهای ادبی/ادبیات و علوم انسانی سابق. مشهد: دانشگاه فردوسی. س. ۴۴. صص. ۲۳۱-۲۳۲.